

اثبات ضرورت ولایت فقیه در عصر غیبت

سیمین دخت آتش افروز مند^۱

چکیده

ولایت فقیه یعنی کسی که سرپرستی و تصرف در کار دیگری را با ولایت داشتن بر او عهده دار می شود و مولا و ولی امر او محسوب می شود. بنا بر تصریح قانون اساسی کشورمان، طرح حکومت اسلامی بر پایه ی ولایت فقیه که از سوی بنیان گذار جمهوری اسلامی ایران، امام خمینی (ره) مطرح شد، عاملی اساسی در تحکیم و اداره ی امور اسلامی، می باشد. همیشه وجود ولی امر، یعنی حاکمی که قیّم و نگه دارنده ی نظم و احکام اسلامی باشد، ضرورت دارد. از گذشته، چه قبل از انقلاب و چه بعد از آن، در جامعه ی ما، بحث و نقطه نظرات فراوانی، در مورد ولایت فقیه و ضرورت آن، مطرح بوده است؛ اگرچه این مباحث، در چگونگی و استدلال، با یکدیگر، تفاوت داشته، اما هیچ کدام، منکر اصل ضرورت وجود ولی فقیه، در جامعه ی اسلامی، نمی باشند. بسیاری از مباحث حقوق اساسی و مقوله های آن، در کشور ما، در اساس و مبنا به یک سلسله مبانی و علل دینی، مستند است و از همه یا بخشی از آن علل، سرچشمه می گیرد؛ و بدون بررسی آن عوامل، شکل گیری مسائل حقوقی، قابل تجزیه و تحلیل نیست. با در نظر گرفتن این مسئله که در زمان غیبت امام عصر (عجل الله تعالی فرجه الشریف)، ولایت امر و امامت امت، بر عهده ی ولی فقیه قرار دارد، لذا تبیین ادله ای که با استناد به آن ها، این مسئله مقرر شده است، ضروری به نظر می رسد. هدف اصلی این پژوهش بررسی یک سری از ادله ی قطعی است مبنی بر اینکه ولایت فقیه دارای پشتوانه ی عظیمی از آیات و روایات معتبر هست و حتی در صورت نبودن این دسته از ادله نیز، می توان ضرورت وجود ولی فقیه را، با استناد به ادله ی عقلی، به نحو بارز و غیرقابل خدشه، ثابت نمود.

کلیدواژه:

ادله عقلی، ادله نقلی، ولایت، ولایت فقیه

^۱ - پایه پنجم، مدرسه حضرت زینب کبری سلام الله علیها، iliyakaaba1@gmail.com

مقدمه

حکمت آفریدگار، بر این تعلق گرفته که مردم به طریق عادلانه زندگی کنند و در سایه‌ی حدود و احکام الهی، قدم بردارند. این حکمت، همیشگی و از سنت‌های خداوند متعال و غیرقابل تغییر است. ولایت فقیه، امری لازم و ضروری است؛ چراکه در یک جامعه‌ی اسلامی، در ضرورت نیاز به یک فقیه‌ی که امور جامعه‌ی اسلامی را تدبیر کند، هیچ شکی نیست. امروزه، با توجه به بیداری اسلامی در منطقه خاورمیانه و مطالبات مردم و اسلام‌خواهی آن‌ها، نیاز به رهبر و پیشوایی که بتواند جامعه‌ی اسلامی را به شکل یکپارچه و الهی، مدیریت کند، بیش‌ازپیش احساس می‌شود. در فرهنگ شیعی، این امر که در عصر غیبت امام عصر (عجل الله تعالی فرجه الشریف) اداره‌ی جامعه، از سوی شارع مقدس، بر عهده‌ی فقیهان عادل گذاشته شده است، امری مسلم است. از زمان مرحوم شیخ مفید که از فقهای بزرگ شیعه است تاکنون، مسئله‌ی ولایت فقیه، مطرح بوده است؛ اگرچه حدود آن، مورد اختلاف بوده، اما اصل ولایت فقیه، از اصول مسلم اسلام، مخصوصاً شیعی است. از آنجایی که عقل بشری از تدوین قانون جامع و کامل برای رسیدن انسان به کمال واقعی، ناتوان است، بنابراین نیازمند قانونی است که از خطا و نقصان، مصون باشد؛ از طرفی، قوانین الهی همیشه نیاز به تفسیر و تبیین دارند؛ لذا وجود رهبری که آگاه به مسائل اسلام باشد ضروری است و این امر تنها، از طریق نهاد ولایت فقیه، تحقق می‌یابد. آنچه در این پژوهش موردبررسی قرار گرفته است، ادله‌ای هست که با استناد به آن‌ها، ضرورت وجود ولی فقیه در عصر غیبت، برای اداره‌ی جامعه، اثبات می‌شود.

۱- مفهوم شناسی

۱-۱- معنای لغوی و اصطلاحی ولایت

ولایت واژه‌ای عربی است که از نگاه لغوی از ریشه‌ی «و ل ی»، به معنای «قرب» گرفته شده، لذا در مورد قرابت و مودت نیز، استعمال می‌شود و از این جهت بر امیر، والی اطلاق می‌شود که بر امارتی سلطه یافته است.^۱ علامه طباطبایی در تفسیر المیزان می‌گوید: اصل معنای ولایت، برداشته شدن واسطه‌ای است که بین دو چیز حائل شده باشد، به‌طوری که بین آن دو، غیر از آن‌ها واسطه‌ای باقی نماند و سپس برای نزدیکی چیزی به چیز دیگر به چند صورت، به کار گرفته شده است؛ مانند قرب مکانی، منزلتی و غیر این‌ها.^۲

«ولی» در لغت عرب، به معنای آمدن چیزی است در پی چیزی دیگر بدون فاصله؛ از این رو این واژه در معانی؛ دوستی، یاری، پیروی، تصدی امر غیر و سرپرستی استعمال شده که وجه مشترک همه‌ی این معانی، قرب معنوی است. از میان این معانی، معنای سرپرستی و تصرف در کار دیگری با آنچه از ولایت فقیه اراده می‌شود، هم‌خوانی بیشتری دارد. کسی که عهده‌دار کاری می‌شود، بر آن ولایت یافته و مولا و ولی آن امر محسوب می‌شود، بنابراین کلمه ولایت و هم‌ریشه‌های آن (مانند والی، ولی، تولیت) بر معنای سرپرستی، تدبیر و تصرف دلالت دارد.^۳ در اصطلاح، ولایت عبارت است از چگونگی ارتباط حاکم اسلامی با امت، برحسب اختیار و اقتدار که حاکمیت در حکومت، بدان نیاز دارد؛ به عبارت دیگر، ولایت همان اختیاراتی است که امام یا ولی فقیه، در عصر غیبت برای عمل به وظایف و مسئولیت‌های خود، از آن برخوردار است که از آن به «اقتدار» تعبیر می‌کنند.^۴ در هر صورت معنای اصطلاحی «ولایت» عبارت است از «تصدی امر و اداره‌ی حکومت».^۵

۱-۲- معنای لغوی و اصطلاحی فقیه

فقیه از ریشه‌ی (ف ق ه) به معنای فهمیدن، درک کردن و ادراک درباره‌ی چیزی است.^۶ فقیه در لغت به معنای دانشمند، عالم و دریابند است.^۷ همچنین به متخصص در علم فقه و عالم به احکام

^۱- معرفت، ولایت فقیه، ص ۴.

^۲- طباطبایی، المیزان، ج ۱۱، ص ۹۳-۸۹.

^۳- راغب اصفهانی، المفردات، ص ۵۳۳.

^۴- حسینی ترکستانی، تحلیل نظریه‌ی ولایت فقیه، ص ۳۰.

^۵- نوروزی، نظام سیاسی اسلام، ص ۱۸۷.

^۶- ابن فارس، معجم مقاییس اللغة، ج ۴، ص ۴۴۲.

^۷- سیاح، فرهنگ جامع فارسی، ص ۶۰۳.

شرع، نیز فقیه اطلاق می‌گردد.^۱ فقیه به معنای شخصی دانا، فهمیده و صاحب فهم عمیق است. از آنجاکه فقیه، بر وزن فعلیل است این وزن، علاوه بر ثبوت صنعت برای ذات، دوام و استمرار را می‌رساند؛ بنابراین فقیه به معنای متخصص و مجتهد عادل است که با تعمق و تدبر در اصول و فروع دین اسلام، به ملکه‌ی اجتهاد دست یابد.^۲ به تعبیر دیگر فقیه، شخصی است که با در اختیار داشتن امکانات و حضور ذهنی لازم مربوط به مقدمات استنباط، بتواند حکمی از احکام شرع مقدس را، با بررسی و تحقیق از منابع آن، استخراج و استنباط نماید.^۳

۱-۳- مفهوم ولایت فقیه

ولایت فقیه به مفهوم ساده و کلی آن، عبارت است از زمامداری و سرپرستی امور مختلف جامعه اسلامی، توسط فردی که به مرتبه‌ی بالای اجتهاد و افتاء در فقه اسلامی رسیده است و دارای دو خصیصه‌ی بارز علم، یعنی اشراف کامل به احکام و قوانین اسلامی و عدالت است.^۴ به تعبیر دیگر، ولی فقیه کسی است که عالم به سیاست‌های دینی و برقرارکننده‌ی عدالت اجتماعی میان مردم باشد، یعنی از سوی شارع مقدس، تبیین قوانین الهی و اجرای احکام دین و مدیریت جامعه‌ی اسلامی در عصر غیبت، بر عهده‌ی فقیه جامع‌الشرایط است.^۵

۲- ضرورت وجود ولی فقیه در عصر غیبت

از اصلی‌ترین دغدغه‌های همیشگی انسان‌ها، در جوامع و اعصار مختلف، پاسخ به این پرسش است که با توجه به ضرورت وجود حاکم در جوامع بشری، چه فرد یا افرادی، صالح به تصدی حکومت و اعمال اقتدار، نسبت به دیگر شهروندان هستند.^۶

مکتب تشیع، با اعتقاد به امامت، گره‌خورده است. امامت، در حقیقت، ادامه‌ی مدیریت صحیح اجتماعات بشری است. این‌گونه مدیریت را، پیامبران پی‌ریختند. اسلام که نمونه‌ی کامل و جامع مکتب پیامبران هست، تأکید بیشتری به اصل وصایت و جانشینی دارد تا حضور و ادامه‌ی کار رهبران الهی، در جامعه‌ی بشری منقطع نگردد و احکام خداوند به نحو شایسته به اجرا درآید. از بین آیات

^۱ - عمید، فقه سیاسی، ص ۸۸۱.

^۲ - قاسمی، فقیهان امامی و عرصه‌های ولایت فقیه، ص ۵۲.

^۳ - طاهری، عرصه‌های ولایت فقیه، ص ۹.

^۴ - مهرپور، مختصر حقوق اساسی جمهوری اسلامی، ص ۳۷.

^۵ - جوادی آملی، ولایت فقیه، ص ۴۶۳.

^۶ - رجالی تهرانی، ولایت فقیه در عصر غیبت، ص ۱۳۶.

قرآن مجید، این حکم خداوند خطاب به ایمان آورندگان که «أَطِيعُوا اللَّهَ وَأَطِيعُوا الرَّسُولَ وَ أُولُو الْأَمْرِ مِنْكُمْ»^۱. اطاعت کنید خدا را و اطاعت کنید پیامبر خدا و اولو الامر را»، دال بر لزوم امامت، به منظور ادامه‌ی ولایت و رهبری در اداره‌ی امور مسلمین هست تا جامعه هیچ‌گاه بدون رهبر نماند. ائمه‌ی بزرگوار (علیهم‌السلام) در طول زندگی خویش، در راه ادامه‌ی حرکت پیامبر اکرم (صلی‌الله علیه و آله و سلم)، مبارزه نموده و کوشیده‌اند تا حکومت اسلامی، ایجاد و رهبری جامعه را برای اجرای دستورات خداوند، بر عهده بگیرند. نظر به اینکه جامعه‌ی اسلامی، هیچ‌گاه بدون رهبر، نمی‌تواند باشد، در زمان غیبت امام زمان (عجل‌الله تعالی فرجه الشریف) این امر بر عهده‌ی پیشوایان دین یا جانشینان اولوالأمر گذاشته شده است.^۲ بهترین نظام حکومتی قابل تصور در عصر غیبت، نظام ولایت‌فقیه است؛ نظامی که هیچ رنگی از استبداد و بیداد نگرفته و تنها هدفش، پیشبرد مردم به سوی رضای خدا است و این، بالاترین هدفی است که اسلام، ارائه فرموده و سعادت دنیا و آخرت را برای انسان به ارمغان می‌آورد.^۳

به هر حال، مسئله‌ی ولایت‌فقیه، از مسائلی است که از دیرزمان، فقهای اسلام در اطراف آن، بحث کرده‌اند؛ تا جایی که آن را از ضروریات و بدیهیاتی دانسته‌اند که نیاز به استدلال ندارد. زمانی که خداوند بزرگ، بر ملت مسلمان و مستضعف ایران، منت نهاد و رهبری آگاه و فقیهی نامور، از سلاله‌ی پیامبر اکرم (صلی‌الله علیه و آله و سلم) یعنی حضرت امام خمینی (ره) را به آنان عطا فرمود تا با قیام مقدسش، طومار کهن و فاسد شاهنشاهی را درهم بیچد و نظام اسلامی را جایگزین آن کند، در این هنگام بود که «ولایت‌فقیه»، چهره‌ی زیبای خود را به ملت محروم ما نشان داد و با رفتن نظام طاغوتی و آمدن نظام اسلامی، مردم شیرینی ثمره‌ی ولایت‌فقیه را در کام خود حس کردند.^۴

در تفکر شیعه، حاکمیت مطلق، از آن خداوند متعال است و لذا در حکومت اسلامی و با حاکمیت الهی، هیچ حاکمیتی توان تعارض با این حاکمیت را نداشته و ندارد. لیکن، خداوند متعال، این حاکمیت را به گونه‌ای، به انسان‌هایی که دارای ویژگی‌های خاصی هستند، تفویض فرموده که حاکمیت آن‌ها در طول حاکمیت الهی و متکی بر آن هست. تفویض و جعل ولایت، یا به صورت نصب و جعل خاص و با ذکر نام در قرآن مجید است، مثل اسامی ابراهیم و اسحاق و رسول اکرم (صلی‌الله علیه و آله و سلم) و یا به صورت نصب عام می‌باشد که نصب، به «عنوان»، تعلق گرفته است و به اعتبار

^۱ - نساء: ۵۸.

^۲ - هاشمی، حقوق اساسی جمهوری اسلامی ایران، ج ۱، ص ۸۹.

^۳ - حائری، بنیان حکومت در اسلام، ص ۱۹۵.

^۴ - طاهری، تحقیقی پیرامون ولایت فقیه، ص ۳.

از بالاترین نصاب این اوصاف برخوردارند، به ولایت بر اعراض، نفوس و اموال انسان‌ها مأذون کرده باشد.^۱

۴-۳- برهان مبتنی بر ضرورت وجود و اجرای صحیح قانون

این دلیل از سه مقدمه‌ی عقلی تشکیل می‌شود و محور آن، ضرورت وجود قانون و اجرای صحیح آن در سعادت فردی و اجتماعی آدمیان است.

مقدمه‌ی اول: حیات اجتماعی انسان و کمال فردی و معنوی او، در گرو وجود قانون کامل و جامعی است که بر همه‌ی ابعاد وجودی و نیازهای فردی و اجتماعی انسان، پرتو افکند و از هرگونه ضعف، کاستی و نقص در امان باشد.^۲

مقدمه‌ی دوم: افزون بر وجود قانون کامل و جامع، حیات اجتماعی انسان و کمال فردی و معنوی او، در گرو وجود حکومت متعهد به آن قانون و حاکمی عالم، عادل و پرهیزکار است تا در عین شناخت قانون کامل، آن را به‌درستی اجرا کند.

مقدمه‌ی سوم: فقدان قانون کامل و هم‌چنین عدم اجرای صحیح قانون کامل، در بُعد فردی به انحطاط و تباهی آدمیان و در بُعد اجتماعی به هرج‌ومرج و فساد جامعه می‌انجامد؛ پیامدی که خالق حکیم هرگز به آن رضایت نمی‌دهد؛ چنانچه هیچ خردمندی نیز، آن را نمی‌پذیرد.

نتیجه: بر این اساس، ضروری است خداوند حکیم در همه‌ی زمان‌ها، هم قانون کامل را در اختیار بشر بگذارد و هم حاکمان عادل، عالم و پرهیزکار را برای اجرای صحیح قانون تعیین و معرفی کند.^۳

۴-۴- برهان مبتنی بر جاودانگی و جامعیت اسلام

این استدلال از دو مقدمه تشکیل شده و محور آن جامعیت و جاودانگی اسلام و تأثیر همه‌ی قوانین فردی و اجتماعی آن در سعادت انسان است.

مقدمه‌ی اول: اسلام، دین خاتم است که همه‌ی قوانین و احکام آن، جاودانه تا پایان عمر دنیا بر اعتبار خود، باقی است. بخش عمده‌ای از قوانین و دستورالعمل‌های قطعی اسلام، به‌صورت مستقیم یا غیرمستقیم به زندگی اجتماعی انسان، چگونگی اداره‌ی جامعه و تنظیم روابط اجتماعی، اقتصادی، سیاسی و فرهنگی آدمیان اختصاص دارد. احکام و قوانین حقوقی، جزایی، تجارت، مالیات، جهاد،

^۱ - مصباح یزدی، فصلنامه حکومت اسلامی، ج ۱، ص ۹۱-۹۰.

^۲ - جوادی آملی، ولایت فقیه فقاقت و عدالت، ص ۱۵۳.

^۳ - کلانتری، ولایت فقیه، پرسش‌ها و پاسخ‌ها، ص ۲۲۰.

دفاع، صلح، امر به معروف و نهی از منکر، قضاوت و ... از این دست است. با توجه به جاودانگی اسلام، همه‌ی این قوانین نیز تا پایان عمر دنیا معتبر خواهند بود.^۱

مقدمه‌ی دوم: توجه به ماهیت این گروه از قوانین و احکام و تحلیل دقیق آن‌ها، این حقیقت را در اختیار می‌گذارد که اجرایی شدن آن‌ها، درگرو تشکیل نظام سیاسی و برپا شدن ساختار حکومتی معینی است که اولاً این بخش عمده از احکام اسلام را به درستی بشناسد. ثانیاً به اجرای دقیق آن‌ها ملتزم باشد، اسیر تمایلات باطل نشود و مقهور قدرت‌های طاغوتی قرار نگیرد.

نتیجه: ابدیت و جاودانگی احکام و قوانین اجتماعی، سیاسی و فرهنگی اسلام عقلاً درگرو تشکیل نظام سیاسی و دستگاه حاکمیتی خاصی است که از دو رکن شناخت دقیق احکام الهی و التزام عملی به همه‌ی آن‌ها برخوردار باشد. چنین حاکمیتی در عصر غیبت، جز با محوریت فقیه عادل، پرهیزکار، مدیر، مدبر و شجاع امکان‌پذیر نخواهد بود.^۲

^۱ - شبان‌نیا، فلسفه سیاست، ص ۱۴۴.

^۲ - جوادی آملی، ولایت فقیه فقاقت و عدالت، ص ۱۶۷.

نتیجه

بنابر آنچه گفته شد، نتیجه می‌گیریم که بر اساس تفکر الهی انسان در هدایت خود نیازمند راهنمایان معصوم و متصل به عالم غیب هست. این نیاز دائمی و همیشگی است و منحصر به زمان خاصی نیست؛ زیرا انسان موجودی است که ذاتاً نیازمند و محتاج به چنین هدایتی است. بنابر این پس از رحلت پیامبر اکرم (صلوات‌الله‌علیه) این نیاز به قوت خود باقی است و قرآن و احادیث نبوی به‌تنهایی برای هدایت بشر کافی نیست. لذا امامان معصوم علیهم‌السلام مصلحان غیبی و رهبران امت می‌باشند. همچنین در عصر غیبت، جامعه بشری به‌خصوص مسلمین، همچنان که از فیض معنوی و لطف غیبی آن حضرت بهره‌مند هستند از لحاظ مسائل سیاسی و اجتماعی نیز، رها و به‌خود وا گذاشته نیستند؛ زیرا در این صورت دین از صحنه سیاست و امور اجتماعی امت خارج‌شده و به‌ناچار سیاست‌های غیردینی و ضد دینی بر جامعه اسلامی مسلط خواهد شد. لذا ارتباط و پیوند جامعه با رهبر معصوم در همه‌ی ابعاد و اعصار ضروری است. لیکن بنا به‌ضرورت غیبت امام زمان عجل‌الله تعالی فرجه الشریف، پیوند ظاهری، مادی، سیاسی و اجتماعی امت با آن حضرت از طریق خلافت نائبان راستین و حقیقی ایشان، یعنی از طریق «ولایت‌فقیه» که ادامه و تداوم ولایت و حکومت اهل‌بیت علیهم‌السلام و درنهایت ولایت خداوند است، صورت می‌پذیرد. پس ضرورت حضور فقیه جامع‌الشرایط با توجه به پشتوانه‌ی قوی ادله‌ی عقلی و نقلی، در تمام شئون کشور اثبات می‌شود.

منابع

* قرآن

- ۱- ابراهیم زاده، عبدالله، امامت و رهبری، قم: انتشارات زمزم هدایت، چاپ اول، ۱۳۹۰ ه. ش.
- ۲- ابن فارس، احمد، معجم مقاییس اللغة، قم: مکتب الاعلام الاسلامی، چاپ اول، بی تا.
- ۳- آذری قمی، احمد، ولایت فقیه از دیدگاه قرآن، قم: موسسه مطبوعاتی دارالعلم، چاپ دوم، ۱۳۷۱ ه. ش.
- ۴- پروین، خیرالله و جواهری تهرانی، محمد، فصلنامه سیاست، تهران: امیر کبیر، چاپ اول، ۱۳۹۱ ه. ش.
- ۵- پیشه فرد، مصطفی، ولایت فقیه، قم: مرکز مطالعات و پژوهش های فرهنگی حوزه علمیه، چاپ اول، ۱۳۸۱ ه. ش.
- ۶- جوادی آملی، عبدالله، ولایت فقیه فقاقت و عدالت، قم: مرکز نشر اسراء، چاپ اول، ۱۳۸۷ ه. ش.
- ۷- جوان آراسته، حسین، گزینش رهبر و نظارت بر او در نظام جمهوری اسلامی ایران، قم: انتشارات پژوهشگاه حوزه و دانشگاه، چاپ دوم، ۱۳۹۱ ه. ش.
- ۸- حائری، سید کاظم، بنیان حکومت در اسلام، ترجمه: حسن طارمی راد، تهران: نشر کاشف، چاپ اول، ۱۳۹۰ ه. ش.
- ۹- حرّعاملی، محمد ابن حسن، وسائل الشیعه، قم: ذوی القربی، چاپ اول، ۱۳۸۷ ه. ش.
- ۱۰- حسینی ترکستانی، سید امیرحسین، تحلیل نظریه ولایت فقیه، قم: انتشارات طلّیعه سبز، چاپ اول، ۱۳۸۹ ه. ش.
- ۱۱- راغب اصفهانی، حسین ابن راغب، المفردات، ترجمه ی صفوان عدنان داوودی، دمشق: دار العلم دار الشامیّه، بی تا.
- ۱۲- رجالی تهرانی، علی رضا، ولایت فقیه در عصر غیبت، قم: انتشارات نبوغ، چاپ اول، ۱۳۸۹ ه. ش.
- ۱۳- سیاح، عبدالحمید، فرهنگ جامع فارسی، تهران: انتشارات اسلام، چاپ اول، ۱۳۸۶ ه. ش.
- ۱۴- شبان نیا، قاسم، فلسفه سیاست، قم: انتشارات موسسه آموزشی پژوهشی امام خمینی، چاپ اول، ۱۳۹۸ ه. ش.
- ۱۵- شعبانی، قاسم، حقوق اساسی و ساختار حکومت جمهوری اسلامی ایران، تهران: انتشار اطلاعات، چاپ چهل و پنجم، ۱۳۹۱ ه. ش.

- ۱۶- شیرازی، علی، پاسخ به شبهاتی پیرامون ولایت فقیه، قم: انتشارات دار الصادقین، چاپ ششم، ۱۳۷۹ ه، ش.
- ۱۷- صدوق، محمد ابن علی، من لا یحضره الفقیه، قم: انتشارات جامعه مدرسین قم، چاپ سوم، ۱۳۷۰ ه، ش.
- ۱۸- طاهری، حبیب الله، تحقیقی پیرامون ولایت فقیه، قم: دفتر انتشارات اسلامی، چاپ پنجم، ۱۳۷۷ ه، ش.
- ۱۹- طباطبایی، محمدحسین، المیزان، ترجمه: سید محمدباقر موسوی همدانی، قم: دفتر انتشارات اسلامی، چاپ هشتم، ۱۳۶۸ ه، ش.
- ۲۰- عمید، حسن، فرهنگ فارسی عمید، تهران: انتشارات اشجع، چاپ دوم، ۱۳۸۹ ه، ش.
- ۲۱- قاسمی، محمدعلی، فقیهان امامی و عرصه های ولایت فقیه، مشهد: انتشارات دانشگاه علوم اسلامی رضوی، چاپ اول، ۱۳۸۴ ه، ش.
- ۲۲- کدخدایی، عباسعلی و جوادی تهرانی، محمد، حاکمیت قانون و ولایت مطلقه فقیه، تهران: نشر دادگستر، چاپ اول، ۱۳۹۱ ه، ش.
- ۲۳- کلانتری، ابراهیم، ولایت فقیه پرسش ها و پاسخ ها، قم: نشر معارف، چاپ اول، ۱۳۹۴ ه، ش.
- ۲۴- کلینی، محمد ابن یعقوب، اصول کافی، تهران: انتشارات دارالکتب الاسلامیه، چاپ چهارم، ۱۳۶۵ ه، ش.
- ۲۵- مصباح یزدی، محمدتقی، فصلنامه ولایت فقیه، قم: موسسه آموزشی پژوهشی امام خمینی، چاپ بیستم، ۱۳۸۹ ه، ش.
- ۲۶- معرفت، محمدهادی، ولایت فقیه، قم: انتشارات ذوی القربی، چاپ اول، ۱۳۸۷ ه، ش.
- ۲۷- موسوی خلخالی، سید محمد مهدی، حاکمیت در اسلام، تهران: انتشارات آفاق، چاپ اول، ۱۳۶۱ ه، ش.
- ۲۸- مهرپور، حسین، مختصر حقوق اساسی جمهوری اسلامی ایران، تهران: نشر دادگستر، چاپ سوم، ۱۳۹۱ ه، ش.